

# ی‌نوستالژیک



خودشان می‌بینند یعنی فقر، طلاق، زخم‌ها و بی‌پولی را تجربه می‌کنند و می‌بینند. سوال اینجاست که من چگونه می‌توانم به خانواده‌ای که دچار مشکل فقر و بی‌پولی است شکلی از سینما را ارائه بدهم که او خودش را نبیند بلکه وجه امیدوارانه‌ای از خود را ببیند. در فیلم «مفت بر» به یک سری اصول اخلاقی که برای جامعه ایرانی اهمیت دارد مثل ارج نهادن به پدر و مادر و ارزش خانواده اشاره شده یعنی یک الگوی رفتاری که دیگر در فیلم‌ها نمی‌بینیم. الگوهایی که نشان می‌داد چقدر اخلاق و خانواده در فیلم‌های قدیم مهم بودند اما چند سالی است که در سینمای ایران دیگر چهره مادرانه و خانواده نمی‌بینیم. بنابراین همان یک پلان فیلم «مفت‌بر» برای من بسیار ارزشمند است که بخواهم خدا را شکر کنم که این فیلم را ساختم. پلانی که دوربین از روی قناری‌ها پایین می‌آید و ما آکواریوم زالسورا می‌بینیم و صدای خروپف کامران و پدرش را می‌شنویم و تصویر روی خواب آرام این خانواده می‌ماند. کامرانی که سودای مهاجرت به کانادا را داشت اینجا با آرامش در کنار پدر و مادرش خوابیده و همین برای من بس است مگر کلیت سینما چه می‌خواهد باشد! یا قرار است که من چه حرف مهمی بزنم! اساسا مگر سینما تا چه حد در ایران مهم است! ما ۸۰ میلیون نفر هستیم که پر فروش‌ترین فیلمی که در ایران ساخته شود را نهایتاً ۵ میلیون نفر می‌بینند بنابراین ۷۵ میلیون نفر ما را نمی‌بینند و به سینمای ایران نمی‌آیند حال اگر من در فکر و انداز خود سعی می‌کنم که حالی را ایجاد کنم و جهانی را نشان دهم که شاید کسی سراغش نرود و دیگر به این شکل فیلم نسازد و این نگاه به سینما شاید برای بسیاری دمه شده باشد را من انجامش بدهم شاید هم روی برخی تاثیر بگذارم همانطور که مخاطبان زیادی را دیدم که فیلم «مفت‌بر» را خیلی دوست داشتند و مخاطبانی که اصلاً فیلم را دوست نداشتند که هر دو در کنار هم برای من زیباست.

## شما از وجه معصومانه هر انسانی به بدمن‌های فیلم تان نزدیک می‌شوید که آنقدرها هم بد نیستند.

سیاه و سفید همیشه در سینمای ایران جذاب بوده است. من در فیلم «گیج‌گاه» نیز همین بدمن را دارم و این سیاه و سفید بودن کاراکترها همیشه برای من جذاب بوده و اینکه کاراکتر خاکستری وجود نداشته باشد چون می‌خواهم که مخاطب متوجه شود که این کاراکتر بد فیلم است و می‌خواهد آسیبی بزند.

## ولی کاراکترهای بد فیلم شما آنچنان هم بد نیستند.

بله در دنیای این فیلم آنقدر بد نیستند اما در فیلم «گیج‌گاه» خیلی بدتر هستند و شبیه بدمن‌های سینمای ایران گذشته ایران هستند.

## در مصاحبه‌هایی که بعد از فیلم «گیج‌گاه» داشتید چندین بار به نگرانی تان در مورد پروژه فیلم دوم اشاره کرده‌اید اما به نظر می‌آید انجام این پروژه با همکاری حسین فرحبخش در آرامش بیشتری دنبال شده است.

یک کارگردان در زندگی‌اش حتی اگر خیلی خوش شانس باشد مگر چند فیلم می‌تواند بسازد آن هم با این همه مشقت، بدبختی و وضعیت سخت بنابراین زمانی که یک تهیه‌کننده قدیمی مثل آقای فرحبخش «گیج‌گاه» را می‌بیند و به واسطه آن فیلم به من اعتماد می‌کند و فیلم دیگری به من می‌سپارد قطعاً باید خدا را شاکر باشم که امکان ساخت فیلم دوم برایم ایجاد شده بنابراین به یک آرامشی رسیدم و از ایشان نیز بسیار آموختم.

## سخن پایانی

امیدوارم که نگاه‌ها به تمامی فیلم‌ها پرمهرتر باشد. سینمای ایران بسیار شریف است و به نظر من باید به هر فیلمی که در سینمای ایران تولید می‌شود با نگاهی پرمهر نگریم. آسیب‌شناسی‌هایی که توسط عده‌ای برای سینمای ایران ارائه می‌شود درست نیست. اگر از ابتدای انقلاب تا به امروز به این مطالب سینمایی نگاه کنید می‌بینید که عده‌ای همواره گفته‌اند که سینمای ایران وضعیت خراب است، در کما است و دارد نابود می‌شود. حتی زمانی که آقای کیارستمی جایزه کن و آقای فرهادی اسکار گرفت هم می‌گفتند که سینمای ایران در کما است. وقتی فیلم‌های اجتماعی ساخته شد گفتند سینمای ایران سیاه نمایی است، فیلم‌های کم‌مدی آمدند همینطور و بعد برای فیلم‌های اکشن و غیره هم مدام این کلمه به کما رفتن استفاده شد. این آسیب‌شناسی کمایی، آسیب‌شناسی به شدت غلطی است. سینمای ایران شرافتمندانه راه خود را پیش می‌رود و هر دوره‌ای نیز یکسری فیلم می‌طلبد و بنده خدا فیلمسازانی که تلاش می‌کنند برای مردم فیلم بسازند و نمی‌دانم این چه کمایی بود که سینمای ایران پس از این همه سال هنوز زنده است و دارد به شکلی پویا ادامه می‌دهد.

مثلاً حتی در رئالیستی‌ترین حالت، کاراکتر حمید هامون که آدم خارق‌العاده و عجیب و غریبی نیست و از دل مردم جامعه است اما نمی‌توانید حمید هامون را در جامعه پیدا کنید چرا که متعلق به دنیای مهرجویی بوده است همینطور کاراکتری مثل سید گوزن‌ها که از دل جامعه است اما نمی‌توان آن را در جامعه پیدا کرد چرا که متعلق به دنیای کیمیایی است و این تفاوت سینمای قدیم و امروز است یعنی قهرمان‌ها و کاراکترهایی که شما بتوانید فقط در سینما آنها را کشف کنید و این جنس بازی حامد بهداد برای نقش کامران یادآور همان قهرمان‌ها و مردهایی است که دیگر وجود ندارند و انگار کامران قصه ما از دل همان فیلم‌ها به این دوران آمده است که می‌تواند رفتارهایی خارج از منطق امروز هم نشان بدهد و انگار فقط در سینما است که می‌توانیم این بی‌منطقی را درک کنیم. تفاوت سینمای قدیم در این بود که جهان قصه‌های مردمی‌ترین فیلم‌های پیش از انقلاب تا خاص‌ترین‌شان مخاطب را به درون خودش می‌کشاند و مخاطب منطق خود را با جهان فیلم تطبیق می‌داد اما امروز فیلم را با واقعیت تطبیق می‌دهند و این است که برای من جذاب نیست.

## واز نظر شما این مسئله ایست که باعث شده مخاطب از سینما دور شود؟

بله اینگونه است که مخاطب از سینما ناخودآگاه دور می‌شود چرا که سینما حالت فانتزی به خود می‌گیرند و مردم ایران فانتزی را آنقدر دوست ندارد و یا شکلی پیدا می‌کند که مردم و مخاطبان مدام اطراف

در یکی از مصاحبه‌ها حذف قهرمان از سینمای ایران را دلیل عدم استقبال مخاطب از آثار و دور شدنش از سینما دانستید. با توجه به اینکه سینما از جامعه تاثیر می‌گیرد آیا نباید این حذف شدن قهرمان را به تغییرات و مناسبات جامعه امروز مربوط دانست؟ علاوه بر این اگر کامران را قهرمان فیلم شما بدانیم او هم از قهرمان‌هایی که در گذشته در سینما می‌دیدیم فاصله دارد

همانطور که گفتم «مفت‌بر» یک فیلم سرگرم‌کننده است که سعی دارد تبدیل به یک پارودی شود و جهانی که شکل پیدا می‌کند جهانی نیست که ما انتظار دیدن یک قهرمان کنشگر را داشته باشیم و اصلاً جهان قصه این اجازه را نمی‌دهد اما به خاطر ارجعاتی که سکانس‌های فیلم نسبت به آن فیلم‌های فردین، بهروز و ثوقی و فیلم‌های از این دست دارد ما را به یاد قهرمان‌های کنشگری چون آنها می‌اندازد. امروزه خیلی مد شده که می‌گویند سینما باید آینه‌ای از جامعه زخم‌های جامعه باشد حال فرض کنیم که سرخیابان دعوايي رخ داده که همه می‌بینند و اگر من این دعوا را به تصویر بکنم که از دل جامعه است یک کنش سینمایی ارائه ندهم. تفاوت سینمای قدیم با سینمای امروز این است که ما در گذشته آن دعوا و کنش را طوری ارائه می‌دادیم که مختص خود سینما باشد و با اینکه از جامعه گرفته شده است اما با فیلتر دنیای ذهنی یک فیلمساز به مردم ارائه می‌شود ورنه اگر من بخواهم به همان شکل آن دعوا را بازسازی کنم و نشان دهم کار خارق‌العاده‌ای برای سینما نکرده‌ام. مسئله امروز نبود قهرمان‌های سینمایی است